



مجله حقوق قرم



دوره ۹ - شماره ۲۷ - بهار ۱۴۰۵

- بار اثبات دعوا در داوری تجاری بین المللی
همایون مافی، مانده اصغرزاده
تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری
محمدحسین رضائی قوام آبادی، پوریا ابراهیم زاده
بازاندیشی حقوقی در استفاده از هوش مصنوعی برای اجرای مجازات حبس در ایران و نظام های حقوقی مختلف
امیررضا محمودی، آتوشا ظفری کوره تاش
حقوق فدراسیونی در فوتبال: رویکرد نظام های حقوقی ایران، فرانسه، انگلستان، آرژانتین، برزیل، اسپانیا و کلمبیا
بهنام نورزاده
تعارض آیین نامه ماده سوم قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول با قوانین و اصول حقوقی
اکبر ایمان پور، سهنند نجادی ایجادکار
شخصیت مجرمانه و رابطه آن با مجازات موثر
مریم بهمنی، مصطفی کرمی پور
چالش ها و موانع تفسیر قراردادها در حقوق ایران
فرزین یزدان پناه، محمدرضا نصیری
تدابیر پیشگیری از فساد مالی در نظام بانکی
علیرضا درائی، سیدابراهیم مرتضوی، امیرحسین ابوالحسنی
طلاق به درخواست زن در نظام حقوقی ایران
محمد احمدی، حلما سادات ذریه کرمانشاهی
ماهیت کیفری قرعه کشی های آنلاین در حقوق ایران
محمدحسین حاجب، زهرا ربانی، رویا آسیایی
قرارداد بیع متقابل در نظام حقوقی ایران
صادق محبی، محمدعلی جهانی
ویژگی ها و خصوصیات جرائم سایبری در نظام کیفری ایران
سیده الهه بابونکی
بررسی حق اشتغال زنان در حقوق بین الملل
حبیب اله عبدالله پور، سما خدایاری
اثرگذاری اقدامات تأمینی و تربیتی در بازا اجتماعی شدن بزهکاران نوجوان؛ نمونه پژوهی مجتمع قضایی شهید فهمیده
لیلا احدی
مقابله به مثل در قرآن کریم و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلامی
رژین مسعودی، جمال رضایی حسین آبادی
واکاوی حقوقی ساختار نظارتی بازار غیرمتشکل پولی در ایران: از ابهامات مفهومی تا چالش های تقنینی و اجرایی
علی بابایی
تأثیر نهادهای مستقل بین المللی بر کارآمدی تحریم ها در حقوق تجارت بین الملل
الهه قربان کریمی
بر مدار مصلحت عالیله کودک؛ تحلیل حضانت با رویکرد حقوقی، فقهی و روان شناختی تا شناخت خلاهای تقنینی
مونا کمیلی
بازپروری حقوق بشردار و محدودیت های آن در نظام کیفری ایران
امین رضا بهار فلامرزی
تحلیلی بر مسئولیت محض مدنی در حوادث صنایع شیمیایی؛ مطالعه موردی واحدهای تولید متانول ایران
محمد جوکار، ساسان وزین پور
آسیب شناسی مجازات سالب حیات در حقوق کیفری ایران
محمدرضا رضائی
اجرای مقررات ملی شدن اراضی در خصوص اراضی وقفی با تأکید بر رویه قضایی
اسماعیل چوگانی
سیاست کیفری بین المللی در قبال نسل کشی: تحلیل تطبیقی در دادگاه های کیفری بین المللی
علی هادیان حقیقی، صابر سیاری زهان
تحلیل جرم شناختی کولبری در مناطق مرزی ایران و مقایسه آن با قاچاق کالا
مرتضی هاشم پور
چالش ها و آسیب های حقوقی موسسات اعتباری غیرمجاز در نظام پولی ایران
امین امینی نژاد
تأثیر اختلال کارکرد قشر پیش پیشانی بر مسئولیت کیفری در جرم قتل عمدی
حمید غیاثی، مهدی شعبان زاده
هوش مصنوعی و حق بر محاکمه عادلانه در پرتو قانون اساسی ایران
پوریا ژولیده
تأثیر مخارج و پدیده دولت بر رشد بازار سهام در ایران
راضیه جنتی نژاد
جایگاه نهاد طرف معامله مرکزی در معاملات فرامرزی و تأثیر آن بر اصل نسبی بودن قراردادها در حقوق ایران، اروپا و ایالات متحده آمریکا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
راهکارهای پیشگیری و مقابله با جرائم سایبری
احمد پدیدار



Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage

تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری

محمدحسین رمضانی قوام آبادی

دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

ramazanighavam@yahoo.com
<http://orcid.org/0000-0003-4898-6027>

Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi
Associate Professor and Faculty Member, Department of Public International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Pouria Ebrahimzadeh

PhD Student, Department of Public International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

پوریا ابراهیم زاده

دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

P_ebrahimzadeh@sbu.ac.ir
<http://orcid.org/0000-0001-6172-0202>

Abstract

The military use of forced marriage has played an important role in preserving this phenomenon up to the modern era. With the growing sensitivity of the international community toward violations of the right to marriage and the efforts of human rights institutions and states to criminalize and punish perpetrators, international and domestic courts have more actively supported victims' rights. Among these courts, the practice of the International Criminal Court is significant because forced marriage is not listed among the crimes under its jurisdiction; however, the Court has presumed its jurisdiction to adjudicate and render judgment on this matter. The main question of this research is what difference exists between forced marriage and sexual slavery, and assuming that forced marriage can be regarded as an independent crime, on what reasoning has the Court presumed jurisdiction over this offense not written in the Rome Statute? Using a descriptive-analytical method and international judicial precedents, the authors seek a well-founded answer. The findings emphasize that forced marriage is a distinct crime from sexual slavery, the commission of which on a widespread or organized scale and with knowledge against civilians constitutes a crime against humanity, and accordingly, the International Criminal Court has jurisdiction under Article 5 and subparagraph (k) of Article 7 of the Rome Statute.

Keywords: Human Rights, Forced Marriage, Sexual Slavery, Crime Against Humanity, International Criminal Court.

چکیده

استفاده نظامی از ازدواج اجباری نقش بسیار مهمی در حفظ حیات این مؤلفه تا دوران معاصر ایفاء نموده است. با افزایش حساسیت جامعه بین‌المللی نسبت به نقض حق بر ازدواج و متعاقباً تلاش نهادهای حقوق بشری و دولت‌ها جهت جرم‌انگاری و مجازات مرتکبان ازدواج اجباری، محاکم بین‌المللی و داخلی به‌صورت فعالانه‌تری از حقوق قربانیان این پدیده شوم حمایت کردند. در میان این محاکم، رویه دیوان کیفری بین‌المللی از آن جهت حائز اهمیت است که ازدواج اجباری در فهرست جرایم تحت صلاحیت رسیدگی محکمه مذکور ذکر نشده؛ اما دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت خود جهت رسیدگی و صدور حکم درباره عنوان مجرمانه صدراالاشاره را مفروض دانسته است. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چه تفاوتی میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی وجود دارد؟ و بر فرض امکان تلقی ازدواج اجباری به‌عنوان یک جرم مستقل از بردگی جنسی، دیوان کیفری بین‌المللی با چه استدلالی صلاحیت خود را جهت رسیدگی به این عنوان مجرمانه ناوشته در اساسنامه رم مفروض دانسته است؟ نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و مستند به رویه‌های قضایی بین‌المللی از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. نتایج کلی پژوهش ضمن تبیین تفاوت میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی بر این مسئله تأکید می‌کند که ازدواج اجباری یک جرم کاملاً مستقل از بردگی جنسی بوده که ارتکاب آن در مقیاس گسترده یا سازمان‌یافته و توأم با علم ارتکاب علیه غیرنظامیان مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد که قاعده‌تاً دیوان کیفری بین‌المللی وفق ماده پنجم و بند K ماده هفتم اساسنامه رم صلاحیت رسیدگی به آن را خواهد داشت.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، ازدواج اجباری، بردگی جنسی، جنایت علیه بشریت، دیوان کیفری بین‌المللی.

Received: 2026/04/05 - Review: 2026/05/06 - Accepted: 2026/06/21

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۴/۰۵ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۵/۰۵/۰۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۲۱

ارجاع:

رمضانی قوام آبادی، محمدحسین؛ ابراهیم زاده، پوریا؛ (۱۴۰۵)، تحلیل رویه احراز صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی جهت رسیدگی به ازدواج اجباری، تمدن حقوقی، شماره ۲۷.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های پیش روی نظام حقوق بین‌الملل^۱ و نظام حقوق داخلی کشورها مقابله با ازدواج اجباری^۲ است. این نوع از ازدواج عموماً مبتنی بر اراده و رضایت یک طرفه، معمولاً تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی رخ می‌دهد و جدا از پیامدهای منفی جسمی، روحی و اجتماعی بعضاً غیرقابل جبران بر افراد و خصوصاً زنان و کودکان، مصداقی از نقض حقوق بشر^۳ محسوب می‌شود (بختیاری‌رنانی، ۱۴۰۲، ۷۰).

هرچند اسناد حقوق بشری از مدت‌ها قبل حق بر ازدواج^۴ را به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر به رسمیت شناخته‌اند اما از قرن بیست و کم میلادی تا به امروز شاهد موضع‌گیری جدی محاکم بین‌المللی، دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای عمدتاً اروپایی جهت مقابله با این پدیده شوم از طریق جرم‌انگاری، حمایت از قربانیان و مجازات مرتکبان هستیم. به‌عنوان مثال رویه دیوان کیفری بین‌المللی از آن جهت حائز اهمیت است که گویا دیوان کیفری بین‌المللی خارج از چهارچوب صلاحیت ذاتی^۵

1- International Law

2- Forced Marriage

3- Human Rights

4- Right of Marriage

5- Subject-Matter Jurisdiction

خویش به مقابله با آن پرداخته است، زیرا در فهرست جرایم تحت صلاحیت این محکمه ازدواج اجباری ذکر نشده؛ اما دیوان کیفری بین‌المللی همواره با استدلال‌هایی صلاحیت خود جهت رسیدگی و صدور حکم درباره عنوان مجرمانه صدرالاشاره را مفروض دانسته است.

پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که چه تفاوتی میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی^۶ وجود دارد؟ و بر فرض امکان تلقی ازدواج اجباری به‌عنوان یک جرم مستقل از بردگی جنسی، دیوان کیفری بین‌المللی^۷ با چه استدلالی صلاحیت خود را جهت رسیدگی به این عنوان مجرمانه نانوشته در اساسنامه رم مفروض دانسته است؟ با تأکید بر اصل صلاحیت ذاتی که به موجب آن یک محکمه حق رسیدگی به جرایم خارج از صلاحیت خود را ندارد و ایضاً تأکید بر عدم ذکر ازدواج اجباری در فهرست جرایم تحت صلاحیت رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی، فرضیه نگارندگان بر این مبنا استوار است که در صورت وجود تفاوت‌های عمده میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی می‌توان ازدواج اجباری را به‌عنوان یک جرم کاملاً مستقل محسوب نمود و در صورتی که این جرم در شرایط خاصی تحقق یابد می‌تواند مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب شود که قاعداً دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن را خواهد داشت و در غیر این صورت پذیرفتنی است که احکام دیوان کیفری بین‌المللی در این خصوص فاقد وجاهت قانونی بوده است.

نگارندگان با هدف یافتن پاسخی معقول و مستند رویه‌های قضایی بین‌المللی^۸ از روش توصیفی-تحلیلی استفاده نموده‌اند. نتایج کلی پژوهش ضمن تبیین تفاوت میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی بر این مسئله تأکید می‌کند که ازدواج اجباری یک جرم کاملاً مستقل از بردگی جنسی است که ارتکاب آن در مقیاس گسترده یا سازمان‌یافته و توأم با علم ارتکاب علیه غیرنظامیان مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب می‌گردد که قاعداً دیوان کیفری بین‌المللی وفق ماده ۵ و بند K ماده ۷ اساسنامه رم صلاحیت رسیدگی به آن را خواهد داشت.

6- Sexual Slavery

7- International Criminal Court (I. C. C)

8- International Judicial Procedures

۱- چهارچوب مفهومی

ازدواج در لغت به معنای «جفت شدن» یا «قرین شدن» با یکدیگر است. در نظام حقوق داخلی کشورها، ازدواج یکی از انواع عقود است که به واسطه جاری شدن آن، طرفین حقوق و تکالیفی نسبت به یکدیگر بر عهده خواهند گرفت (حسینی و حسینی، ۱۳۹۵، ۴۸). بنیاد عقد ازدواج بر پایه علاقه طرفین به یکدیگر و آزادی ایشان در انتخاب همسر بنا نهاده شده است اما چنانچه اراده و رضایت حداقل یکی از طرفین در انتخاب همسر متأثر از اجبار مؤثر باشد، ازدواج مذکور حائز وصف «اجباری» خواهد بود (Molnar, 2021, 181).

بر اساس بند چهارم قطعنامه شماره ۱۴۶۸^۹ مجمع پارلمانی شورای اروپا با عنوان «ازدواج اجباری و ازدواج کودکان»^{۱۰}، ازدواج اجباری پیوندی زناشویی بوده که در آن اراده و رضایت حداقل یکی از طرفین تحت تأثیر اجبار قرار گرفته باشد. شعبه استیناف دادگاه ویژه سیرالئون^{۱۱} نیز در بند یکصد و نود و ششم رأی مربوط به پرونده شورای انقلابی نیروهای مسلح^{۱۲}، ازدواج اجباری را وضعیتی دانسته که در آن یک شخص با بیان یا اعمالش شخص دیگری را به عنوان شریک زناشویی به خدمت می‌گیرد. هرچند حدود پانزده میلیون زن در جهان قربانی ازدواج اجباری شده‌اند (انصاریان و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۷)، اما بر اساس تعریف ارائه شده از این مؤلفه باید گفت که نه تنها زنان و بلکه کودکان، مردان و بزرگسالان نیز ممکن در داخل یا خارج از کشور خود و حین صلح یا جنگ قربانی ازدواج اجباری شوند. همچنین، این احتمال وجود دارد که شخصی رأساً و به نحو مباشرت مرتکب ازدواج اجباری نشده و صرفاً با فراهم کردن تدارکات چنین عملی، معاونت در آن را بر عهده بگیرد. ازدواج اجباری با ازدواج مقرر شده^{۱۳} متفاوت است (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ۱۰۰). ازدواج مقرر شده که گونه‌هایی از آن در فرهنگ برخی از کشورها از جمله ایران همچنان مرسوم است به ازدواج‌هایی

9- 5 October 2005

10- Forced Marriage and Child Marriage

11- Special Court for Sierra Leone (S. C. S. L)

12- SCSL, AFRC Case, Appeals Chamber Judgment (22 February 2008)

13- Arranged Marriage

اطلاق می‌شود که در آن خانواده طرفین در راستای اجرای آداب و رسوم معمول در فرهنگ شان، زمینه پیوند فرزندان شان با یکدیگر را تدارک دیده و طرفین نیز با این توجیه که پیوندشان بخشی از آداب و رسوم معمول در فرهنگ نیاکان شان است تلاش می‌کنند که به‌رغم عدم تمایل جدی به زندگی مشترک با یکدیگر، روابط خود را به هر نحو ممکن حفظ کنند؛ بنابراین، نظر به رضایت ضمنی طرفین، وصف «اجبار» جایگاه خاصی در ازدواج مقرر شده ندارد. کارشناسان دادستانی دادگاه ویژه سیرالئون در بند یازدهم مندرج در صفحه پانصدو هفتاد و هشت رأی اولیه مربوط به پرونده شورای انقلابی نیروهای مسلح^{۱۴} نیز با اشاره به موارد فوق به تبیین تفاوت میان ازدواج اجباری و ازدواج مقرر شده پرداخته‌اند.

درباره ازدواج اجباری لازم است که به دو مسئله حقوقی توجه شود. اول آن که در بسیاری از اسناد حقوق بشری از جمله بند دوم ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۱۵} و بند سوم ماده ۲۳ میثاق حقوق مدنی و سیاسی^{۱۶} به یکی از مصادیق حقوق بشر تحت عنوان «حق بر ازدواج» اشاره شده است (Dauvergne & Millbank, 2010, 59). در اسناد دیگری نظیر ماده ۱۶ کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان^{۱۷}، ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی راجع به حقوق بشر^{۱۸} و بند «ه» ماده ۲۷۴ اعلامیه و برنامه عمل پکن^{۱۹} نیز حق مذکور مورد توجه قرار گرفته است (امیری، ۱۳۸۹، ۲۷۲).

عطف به این که در ازدواج اجباری حداقل یکی از طرفین حقی در انتخاب همسر خویش ندارد می‌توان استنباط نمود که ازدواج اجباری با حق بر ازدواج در مفهوم حق در انتخاب همسر تعارض دارد. دوم آن که کارشناسان دادستانی دادگاه ویژه سیرالئون در بند دوازدهم مندرج در صفحه پانصدو هفتاد و هشت رأی اولیه مربوط به پرونده شورای انقلابی نیروهای مسلح به این مسئله تأکید کرده‌اند که ازدواج اجباری حائز وصف کیفری و قابل پیگرد قانونی است. گزاره اخیر با تأکید بر

14- SCSL, AFRC Case, Opinion by Justice Sebutinde (20 June 2007)

15- Universal Declaration of Human Rights (1948)

16- International Covenant on Civil and Political Rights (1976)

17- Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women (1979)

18- Cairo Declaration on Human Rights in Islam (1990)

19- Beijing Declaration and Platform for Action (1995)

ویژگی کیفری ازدواج اجباری نقطه عطفی جهت جرم‌انگاری این مؤلفه بود (Reva&Polat,2019,76)؛ بنابراین و در مجموع می‌توان ازدواج اجباری را هنجاری خلاف حقوق بشر و حائز وصف کیفری دانست.

۲- مبنای نظری

وظیفه حقوق‌دانان صرفاً محدود به تبیین عناصر سه‌گانه جرم و ترسیم مرز جرایم مشابه از یکدیگر نمی‌شود. در راستای اجرایی کردن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، لازم است که به یک مؤلفه مهم تحت عنوان برچسب‌زنی منصفانه^{۲۰} یا همان برچسب‌زنی بازتابنده یا انعکاسی توجه شود (میرمحمدصادقی و لکی، ۱۳۹۸، ۲۷۶). مقصود از برچسب‌زنی منصفانه آن است که باید تناسب و تناظر کافی میان آن عمل نوعاً غیرانسانی که قصد جرم‌انگاری آن را داریم و نیز وصف یا عنوانی که می‌خواهیم برای دلالت به همان عمل نوعاً غیرانسانی از آن استفاده کنیم برقرار باشد. وجود تناسب و تناظر مذکور سه پیامد به دنبال خواهد داشت؛ اول آن که مجرم گمان نخواهد کرد که نظام عدالت کیفری قصد مجازات کردن او به چیزی کمتر یا بیشتر از آن چه که مرتکب شده است را دارد. دوم آن که قربانی گمان نخواهد کرد که نظام عدالت کیفری درک کاملی از درد و رنجی که متحمل شده نداشته و ممکن است در مسیر احقاق حق، آن طور که باید و شایسته است عمل نکند. سوم آن که رعایت مؤلفه مذکور باعث ارتقاء سطح کیفی نظام عدالت کیفری خواهد شد (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ۱۰۵).

در عرصه حقوق بین‌الملل، برخی از حقوق‌دانان با قائل بودن بر یک نگرش انطباقی بر این باورند که ازدواج اجباری عیناً همان بردگی جنسی بوده و بنابراین یک عنوان مجرمانه مستقل محسوب نمی‌شود. در مقابل، برخی دیگر از حقوق‌دانان با قائل بودن بر یک نگرش استقلالی بر این باورند که ازدواج اجباری تفاوت‌های مهمی با بردگی جنسی داشته و بنابراین یک عنوان مجرمانه کاملاً مستقل محسوب می‌شود. در این بخش استدلال‌های هر یک از این گروه‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم اما

پیش از آن لازم است بدانیم که بخش زیادی از اختلاف نظری دو گروه ذیل مربوط به آن است که هر یک بر مبنای منطق خود تلاش می‌کند که مؤلفه برجسب‌زنی منصفانه به درستی رعایت شود، اما هر دو گروه بر سر این مسئله که مرتکب ماهیت چنین عملی خواه به‌عنوان یک جرم غیرمستقل و خواه مستقل از بردگی جنسی باید مجازات شود اتفاق نظر دارند.

۲-۱- استدلال‌های مخالفان جرم‌انگاری ازدواج اجباری

این دسته از حقوق‌دانان معتقدند که اولاً بسیاری از مصادیق ازدواج اجباری بر مبنای آداب و رسوم معمول در فرهنگ اقلیت‌های قومی رخ می‌دهد و جرم‌انگاری ازدواج اجباری منجر به تبعیض، سخت‌گیری و محروم کردن اقلیت‌های قومی در اجرای آداب و رسوم معمول در فرهنگشان خواهد شد که این امر خود با ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی مبنی بر حق اقلیت‌های قومی در اجرای آداب و رسوم معمول در فرهنگشان متعارض است (Petricusic, 2005, 50). به عبارت دیگر، جرم‌انگاری ازدواج اجباری عملاً به معنای صیانت از یکی از مصادیق حقوق بشر یعنی «حق بر ازدواج» با استفاده از یک روش ضدحقوق بشری یعنی «تشدید کنترل و محروم کردن اقلیت‌ها از اجرای آداب و رسوم معمول در فرهنگشان» است.

دوم آن که با جرم‌انگاری ازدواج اجباری، مراجع و مقامات قضایی در مقام برخورد با عاملان و مرتکبان این عمل معمولاً منافع عمومی جامعه را لحاظ نموده و به شرایط زندگی قربانی توجه چندانی نخواهند کرد؛ بنابراین، تعداد زیادی از کودکان به دلیل جلوگیری از مجازات شدن والدین شان به‌عنوان عاملان ازدواج اجباری و بسیاری از زنان به دلیل ترس از دست دادن سرپناه، از گزارش‌دهی موضوع امتناع خواهند نمود. گفتنی است بسیاری از قربانیان ازدواج اجباری ممکن است که به‌صورت غیرقانونی در یک کشور زندگی کنند و بدیهی است که در صورت گزارش چنین وضعیتی، خود بدواً تحت پیگرد قرار خواهند گرفت. بدین ترتیب، جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان یک راهکار خوب اشتباه^{۲۱} منجر خواهد شد که این پدیده شوم به یک فعالیت زیرزمینی تبدیل شده که برای

کشف آن با مشکلات بیشتری مواجه باشیم.

سوم آن که با جرم‌انگاری ازدواج اجباری هیچ تضمینی از این بابت که مراجع قضایی و قربانیان موفق به اثبات ازدواج اجباری شوند وجود ندارد و در این صورت، قربانیان با جرم ثانویه ناشی از طرح دعوا نظیر آزار و اذیت توسط همسران شان مواجه خواهند شد. حتی بر فرض صدور حکم مبنی بر محکومیت مجرم، چنانچه اعمال مجازات بر وی مؤثر واقع نشود قوانین ناظر بر مقابله با ازدواج اجباری در طول زمان به یک مجموعه متروک از قوانین تبدیل خواهند شد؛ بنابراین، بهتر است که مرتکبان این پدیده شوم را از طریق قوانین ناظر بر آدم‌ربایی، آزار و اذیت، بردگی جنسی و دیگر عناوین مجرمانه مرتبط مورد تعقیب و پیگرد قانونی قرار داد (مقدسی و عامری، ۱۳۹۵، ۱۸۶).

۲-۲- استدلال‌های موافقان جرم‌انگاری ازدواج اجباری

این دسته از حقوقدانان معتقدند که اولاً جرم‌انگاری ازدواج اجباری به مثابه یک پیام عمومی برای اشخاصی خواهد بود که توسط این جرم قربانی شده و یا در معرض قربانی شدن قرار دارند تا به محض دریافت پیام آگاه شوند عملی که نسبت به آنان ارتکاب یافته و یا در معرض ارتکاب یافتن است از منظر حقوقی و اجتماعی مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد. حمایت قانون از قربانیان و یا افراد در معرض جرم ازدواج اجباری منجر خواهد شد تا ایشان از طریق مذاکره با خانواده، در برابر خواسته‌های مبتنی بر اجبار طرف مقابل به نحو مؤثرتری مقابله کنند. همچنین، با جرم‌انگاری ازدواج اجباری، مرتکبان و یا اشخاصی که قصد ارتکاب چنین جرمی را دارند این پیام عمومی را دریافت خواهند کرد که نظام عدالت کیفری در نهایت آنان را به‌عنوان افرادی مجرم تعقیب، محاکمه و مجازات خواهد نمود که همین ترس از مجازات و بدنام شدن می‌تواند در کاهش میل ارتکاب جرم مذکور تأثیر گذاشته و نتیجتاً آمار ارتکاب ازدواج اجباری کاهش یابد.

دوم آن که بررسی همه‌جانبه جرم‌انگاری ازدواج اجباری و تدارک تمهیدات چندجانبه موازی در جهت اجرای قوانین مذکور باعث خواهد شد که هم منافع عمومی جامعه و هم شرایط زندگی قربانیان

توسط مراجع و مقامات قضایی مورد توجه قرار بگیرد؛ بنابراین، چنانچه قربانیان بدانند که نظام عدالت کیفری با پیش‌بینی تدابیری از جمله ایجاد مراکز نگهداری از قربانیان و یا اشخاص در معرض جرم ازدواج اجباری از ایشان حمایت می‌کند، سکوت کاذب حاکم شکسته خواهد شد. با جرم‌انگاری ازدواج اجباری، مأموران اجرای قانون و مراجع قضایی در انجام وظایف خود نظیر انجام تحقیقات، تعقیب، محاکمه و مجازات مجرمان با حساسیت بیشتری عمل خواهند کرد و جمع موارد فوق مانع از تبدیل شدن ازدواج اجباری به یک فعالیت زیرزمینی خواهد شد.

سوم آن که منطقی نیست که به دلیل احتمال عملکرد نامطلوب مراجع انتظامی و قضایی در کشف ازدواج اجباری و یا احتمال مؤثر واقع نشدن اعمال مجازات بر شخص مجرم، از جرم‌انگاری این عمل و مجازات مجرمان صرف‌نظر کرد. برای مقابله با ازدواج اجباری لازم است که مراجع مذکور آموزش‌های لازم را از بابت‌شناسایی مصادیق ازدواج اجباری فرا گرفته و شرایطی فراهم شود که قربانیان به دور از هرگونه واهمه‌ای، آن چه که برای احراز ازدواج اجباری لازم است را در اختیار مراجع ذیربط قرار بدهند. اعمال مجازات ولو نسبتاً مؤثر بر شخص مجرم به مراتب بازدارندگی بیشتری در قیاس با وضعیتی خواهد داشت که هیچ مجازاتی برای مجرمان پیش‌بینی نشده باشد. همچنین، ممکن است مصادیقی از ازدواج اجباری از طریق قوانین موجود قابل تعقیب باشند اما قوانین موجود قطعاً قابل اعمال بر تمام مصادیق ازدواج اجباری نیست و این احتمال وجود دارد که مرتکب ازدواج اجباری عملاً به مجازات جرمی محکوم شود که مجازات آن به مراتب از مجازات ازدواج اجباری سبک‌تر است و این خود گواهی بر عدم توجه به مؤلفه برجسب‌زنی منصفانه در نظام عدالت کیفری است.

۳- تاریخچه

در گذشته ازدواج‌های اجباری میان مقامات دربار دو امپراتوری یکی از مؤثرترین ابزار برای رفع تنش‌ها و برقراری صلح و افزایش قدرت هر دو طرف به حساب می‌آمد. باین‌حال و تا به امروز خطومشی‌ها و سیاست‌های جنگی نقش بسیار حائزاهمیتی در حفظ حیات ازدواج اجباری ایفاء

نموده‌اند. خطومشی‌ها و سیاست‌هایی که در هر عصر و به هر نحو موفق به حفظ موجودیت خود شده‌اند تا امروزه نیز شاهد حیات گونه یا گونه‌های تعدیل یافته از ازدواج اجباری، البته در مقام قیاس با گونه باستانی آن باشیم.

همان‌طور که گفته شد یکی از مواردی که ازدواج اجباری از طریق آن توانسته است تاکنون به حیات خود ادامه دهد خطومشی‌های جنگی است. توضیحاً آن که از دوران کهن و بر پایه یک نگرش غیرانسانی، به زنان و دختران حاضر در طرف متخاصم به‌عنوان انگیزه‌ای برای جنگیدن و یا غنیمت جنگی نگریسته می‌شده است (Lerner, 1983, 179). اعمال ارتش مقاومت پروردگار^{۲۲} از دهه ۱۹۸۰ میلادی تا به همین امروز مصداقی بارز از طرز تفکر تأسف‌بار مذکور در دوران معاصر به حساب می‌آید. اعضاء ارتش مقاومت پروردگار که در حال حاضر بیشتر در شمال کشور اوگاندا مستقر هستند و به مبارزه مسلحانه با دولت مرکزی می‌پردازند گاه با ورود به سطح شهرها، زنان و دختران جوان را ربوده و به پایگاه نظامی خود منتقل می‌کنند. اشخاص ربوده شده معمولاً مجبور به ازدواج با یکی از مقامات ارشد پایگاه می‌شوند و چنان چه هیچ یک از مقامات ارشد پایگاه حاضر به ازدواج با اشخاص ربوده شده نباشند، ربوده شدگان در اختیار سربازان قرار خواهند گرفت.

سیاست‌های جنگی از دیگر مواردی است که ازدواج اجباری به وسیله آن توانسته است تاکنون به حیات خود ادامه دهد. توضیحاً آن که از دوران کهن، وقتی اشغالگران موفق به اشغال یک آبادی، روستا، شهر و یا کشور می‌شدند با زنان و دختران همان منطقه پیوند زناشویی برقرار نموده و از آنان صاحب فرزند می‌شدند و بدین ترتیب با استفاده از ازدواج اجباری علاوه بر استیلاء بخشیدن بر اشغال خود، به مرور زمان تغییراتی در فرهنگ و بافت جمعیتی همان منطقه نیز بر جای می‌گذاشتند. اعمال گروه انصارالدین^{۲۳} در سال ۲۰۱۲ میلادی مصداقی بارز از رویه مذکور در دوران معاصر به حساب می‌آید. پس از این که نظامیان این گروه مذهبی افراط‌گرا با همکاری القاعده^{۲۴} کنترل شهر

22- Lord's Resistance Army (L. R. A)

23- Ansar Dine

24- Al-Qaeda

تیمبوکتو^{۲۵} واقع در بیست کیلومتری رود نیجر در مناطق مرکزی کشور مالی را در دست گرفتند از زنان و دختران مجرد شهر خواستگاری به عمل می‌آوردند (Oosterveld, 2018, 1263). چنان چه شخصی که از او خواستگاری به عمل آمده بود با درخواست خواستگار خود موافقت می‌کرد هدایایی دریافت می‌نمود و چنان چه پاسخ او منفی بود، خواستگار جهت تحمیل اراده خود هیچ ابایی از توسل به زور علیه معشوقه و والدین او نداشت. وضع قوانین بسیار تبعیض‌آمیز در برخورد با زنان نظیر الزام به پوشش کامل و حضور در معابر عمومی به همراه همسر یا برادر از دیگر اقداماتی است که در سابقه فعالیت این گروه ثبت شده است (مالدار و همکاران، ۱۴۰۳، ۱۶۶).

انعکاس استدلال موافقان جرم‌انگاری ازدواج اجباری و بازتاب رسانه‌ای رسیدگی مبتکرانه برخی از دادگاه‌های داخلی در حمایت از حقوق اشخاصی که در ازدواج خود متحمل گونه‌ای از اجبار بوده‌اند باعث شد که کشورهای نروژ، اتریش، بلژیک، دانمارک و آلمان به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳، ۲۰۰۶، ۲۰۰۷، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱ میلادی ازدواج اجباری را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری نموده و مجازات حبس را برای مرتکبان این جرم در نظر بگیرند. انگلستان نیز در سال ۲۰۱۴ میلادی و به موجب بخش یکصد و بیست و یک و یکصد و بیست و دو «قانون رفتار ضداجتماعی، جرم و پلیس»^{۲۶} به تعریف ازدواج اجباری پرداخت و توسل به خشونت، تهدید به توسل به خشونت، فریب به قصد ترک خاک انگلستان جهت وادار کردن شخص قربانی به ازدواج در خارج از کشور و سایر اشکال اجبار که منجر به از بین رفتن اراده و رضایت فرد برای ازدواج شود را مصداق ازدواج اجباری تلقی نمود که حسب مورد مجازاتی مشتمل بر حبس و جزای نقدی را برای مرتکب در پی خواهد داشت. در برخی از کشورها نیز ازدواج اجباری مصداق عوامل مشدده جرم محسوب می‌شود. این مسئله در قانون خشونت علیه زنان فرانسه، ماده ۲۸۴ قانون مجازات هلند و قوانین برخی از ایالات در امریکا نظیر ایالت نوادا قابل مشاهده است (مقدسی و عامری، ۱۳۹۵، ۱۸۹).

25- Timbuktu

26- Anti-social Behavior, Crime and Policing Act

در عرصه منطقه‌ای تلاش برای مقابله با ارتکاب ازدواج اجباری منجر شد که در تاریخ یازدهم می ۲۰۱۱ میلادی، «کنوانسیون اروپایی پیشگیری و محو خشونت علیه زنان و خشونت خانگی»^{۲۷} موسوم به «کنوانسیون استانبول»^{۲۸} تصویب شود. این کنوانسیون مشتمل بر هشتادویک ماده که از تاریخ اول اوت ۲۰۱۴ میلادی لازم‌الاجرا شد اولین و درعین حال عام‌الشمول‌ترین سند موجود در عرصه پیشگیری و مقابله با ازدواج اجباری از طریق جرم‌انگاری محسوب می‌شود. ماده ۳۷ این کنوانسیون با عنوان «ازدواج اجباری» مقرر داشته است کشورهای طرف کنوانسیون باید تدابیری را به منظور جرم‌انگاری ازدواج اجباری جهت قانون‌گذاری، محکومیت و مجازات مرتکبان وضع نمایند (Campmajo, 2020, 12).

همچنین، «دستورالعمل حقوق قربانیان»^{۲۹} که طی سی و دو ماده در تاریخ بیست و پنجم اکتبر ۲۰۱۲ میلادی توسط اتحادیه اروپا^{۳۰} تصویب شد سند منطقه‌ای دیگری است که ذیل بند هفدهم مقدمه آن، ازدواج اجباری گونه‌ای از خشونت مبتنی بر جنسیت تعبیر شده و به دلیل در معرض خطر بودن قربانیان در برابر جرم ثانویه، کلیه کشورهای عضو اتحادیه ملزم به جمع‌آوری اطلاعات مربوط به قربانیان و حمایت از آنان شده‌اند. «قطعه‌نامه راجع به مهاجرت زنان: نقش و جایگاه زنان مهاجر»^{۳۱} که در تاریخ دوازدهم آوریل ۲۰۱۶ میلادی به تصویب اتحادیه اروپا رسید نیز از دیگر اسناد منطقه‌ای است که در بخش‌های مختلف آن به مسئله لزوم بر حمایت از حقوق بشر زنان مهاجر و اتخاذ تدابیر لازم جهت تعقیب کسانی که مصادیق حقوق بشر نسبت به زنان مهاجر را نادیده می‌انگارند تأکید می‌کند.

با تمام موارد فوق، در فوریه ۲۰۲۵ میلادی سازمان عفو بین‌الملل^{۳۲} با تأکید بر گزارشات موثق واصله مبنی بر ربایش حداقل سی و شش نفر از دختران و زنان علوی سه تا چهل سال در استان‌های

27- Council of Europe Convention on Preventing and Combating Violence against Women and Domestic Violence

28- Istanbul Convention

29- Victims' Rights Directive

30- European Union

31- Resolution on Women's Migration: The Role and Place of Migrant Women

32- Amnesty International

مختلف سوریه، از مقامات این کشور خواست تا تحقیقات فوری و جامعی درباره مجموعه آدم‌ربایی‌ها انجام دهند. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش خود افزود که اشخاص ربوده شده مورد شکنجه و مجبور به پذیرش ازدواج اجباری شده‌اند و به‌رغم آن که خانواده قربانیان تصویر، شواهد و اطلاعاتی را جهت پیگیری موضوع در اختیار مقامات قرار داده‌اند؛ اما نیروهای امنیتی با مقصر دانستن خانواده ربوده شدگان از رسیدگی به وضعیت امتناع نموده‌اند. دبیرکل سازمان عفو بین‌الملل کوتاهی مقامات این کشور را محرز و ازدواج اجباری را نقض آشکار قوانین بین‌المللی دانست.^{۳۳}

بنابراین، در دوره حاکمیت قانون، فعالیت محاکم بین‌المللی و گسترش مردم‌سالاری^{۳۴} باید این حقیقت تلخ را پذیرفت که ازدواج اجباری همچنان توانسته است که در قالب اشکال تعدیل یافته‌تری همچون «ازدواج‌های اجباری همراه با تشریفات» حیات خود را حفظ کند.

۴- یافته‌های پژوهش

برابر با آن چه که در بخش قبل ذکر شد، استدلال موافقان جرم‌انگاری ازدواج اجباری در نهایت باعث گردید که بسیاری از دولت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای عمدتاً اروپایی مقرراتی درباره ازدواج اجباری، حمایت از حقوق قربانیان و مجازات مرتکبان وضع نمایند. حال نوبت طرح این پرسش است که چه تفاوتی میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی وجود دارد؟ و محاکم کیفری بین‌المللی و خصوصاً دیوان کیفری بین‌المللی در برخورد با ازدواج اجباری چه رویه‌ای را اتخاذ نموده‌اند؟

۴-۱- تفاوت ازدواج اجباری و بردگی جنسی از حیث نظری

ازدواج اجباری با بردگی جنسی متفاوت است. بردگی جنسی عبارت است از این که یک شخص با اعمال تمام یا بخشی از حقوق ناشی از حق مالکیت خود بر شخصی دیگر، وی را وادار به انجام فعالیت‌های جنسی نماید. لازم به ذکر است که هرچند وفق ماده ۷ اساسنامه رم بردگی جنسی ذیل مصادیق جنایت علیه بشریت ذکر شده است، اما از آن جا که اقدامات مجرمانه یا حمله در مقیاس

33- Fa. abna24. com/xjzk8

34- Democracy

گسترده یا سازمان‌یافته و توأم با علم ارتکاب علیه غیرنظامیان عناصر اصلی جنایت علیه بشریت محسوب می‌شوند (وجدانی فخر و طهماسبی، ۱۴۰۱، ۹۸)؛ چنان چه بردگی جنسی همراه با عناصر مذکور ارتکاب یابد ذیل جنایت علیه بشریت قرار خواهد گرفت. این مسئله بدین معنا است که همه مصادیق بردگی جنسی لزوماً مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب نمی‌شوند (Farah, 2019, 35)؛ بنابراین، می‌توان گفت که رابطه میان بردگی جنسی و جنایت علیه بشریت از نوع «عموم و خصوص من وجه» است.

بر اساس تعریف فوق، دو تفاوت عمده میان ازدواج اجباری و بردگی جنسی وجود دارد. اول آن که طیف تکالیف قربانی در ازدواج اجباری گسترده‌تر از طیف تکالیف قربانی در بردگی جنسی است؛ زیرا در بردگی جنسی، قربانی معمولاً مجبور به انجام فعالیت‌های جنسی می‌شود اما در ازدواج اجباری، قربانی علاوه بر وادار شدن به انجام فعالیت‌های جنسی با مواردی نظیر انجام امور منزل، فرزندآوری، تربیت، آموزش و نگهداری از فرزندان نیز مواجه است. دوم آن که حقوق قربانی در ازدواج اجباری به مراتب گسترده‌تر از حقوق قربانی در بردگی جنسی است؛ زیرا مبنای رابطه طرفین در بردگی جنسی ناشی از حق مالکیت می‌باشد

(Allain&Bales, 2012, 3).

مجرم با یک نگرش ناشی از حق مالکیت این حق را برای خود قائل است که هیچ تعهدی در قبال قربانی نداشته و هر زمان و مکانی قادر است قربانی را در اختیار هر شخص دیگری قرار دهد، اما مبنای رابطه طرفین در ازدواج اجباری یک پیوند زناشویی است و بهرغم آن که پیوند مذکور مبتنی بر رضایت دوطرفه نیست؛ اما جلوه‌هایی از مسائل اجتماعی و خانوادگی در این رابطه به چشم می‌خورد. شعبه پیش دادرسی^{۳۵} دیوان کیفری بین‌المللی در بند پانصد و پنجاه و پنج رأی پرونده الحسن آغ عبدالعزیز^{۳۶} نیز اعلام کرد که حقوق و تکالیف در ازدواج اجباری همانند حقوق و تکالیف در ازدواج

35- Pre-Trail Chamber

36- ICC, Al Hasan Case, PTC I (13 November 2019)

عادی است، اما این حقوق و تکالیف در ازدواج اجباری به قربانی تحمیل می‌شود. بنابراین و به‌رغم وجود تشابهاتی نظیر اجبار، فقدان رضایت و فعالیت‌های جنسی در ازدواج اجباری و بردگی جنسی باید پذیرفت که این دو عنوان منطبق بر یکدیگر نبوده و در نتیجه عادلانه نیست که مرتکبان و قربانیان این دو عنوان را در کنار هم قرار دهیم.

۲-۴- تفاوت ازدواج اجباری و بردگی جنسی از حیث رویه‌های قضایی بین‌المللی

هرچند در دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^{۳۷} پرونده‌های زیادی با موضوع «جرایم جنسی» در مفهوم جرایم با محوریت مسائل جنسی و «جرایم مبتنی بر جنسیت» در مفهوم جرایمی که با هر محوریتی علیه یک یا چند شخص صرفاً به دلیل جنسیت شان ارتکاب می‌یابد مطرح شده بود، اما این دادگاه به هیچ پرونده‌ای تحت عنوان بردگی جنسی و یا ازدواج اجباری رسیدگی نکرد. در ادامه به چهار پرونده مختلف که در مورد اول دادگاه ویژه سیرالئون و در سه مورد بعد دیوان کیفری بین‌المللی در کنار سایر جرایم به مسئله ازدواج اجباری رسیدگی کرده است اشاره می‌شود و انتظار می‌رود با بررسی استدلال این محاکم درباره تفاوت ازدواج اجباری و بردگی جنسی به پرسش اصلی پژوهش پاسخ داده شود.

۲-۴-۱- پرونده شورای انقلابی نیروهای مسلح

از سال ۲۰۰۷ میلادی، دادگاه ویژه سیرالئون رسیدگی به پرونده‌ای با عنوان شورای انقلابی نیروهای مسلح را آغاز نمود که در آن سه مقام ارشد نظامی با نام‌های بریما^{۳۸}، کامارا^{۳۹} و کانو^{۴۰} متهم به ارتکاب جنایات بین‌المللی شده بودند که منشأ آن به کودتا علیه دولت قانونی این کشور به ریاست جمهوری احمد تیجان کابا^{۴۱}، تصاحب غیرقانونی قدرت و ارتکاب شمار زیادی از جنایات

37- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (I. C. T. Y)

38- Neyah Brima

39- Adama Kamara

40- Morris Kanu

41- Ahmad Tejan Kabbah (1932-2014)

بین‌المللی خصوصاً علیه غیرنظامیان باز می‌گشت. پس از صدور کیفرخواست، دادستانی دیوان با جلب رضایت شعبه مقدماتی، عنوان ازدواج اجباری را نیز به کیفرخواست اضافه کرد (رنجبریان و ملک‌الکتاب خیابانی، ۱۳۸۹، ۱۴۹).

از آن جا که در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون ازدواج اجباری قید نشده بود و از طرفی اظهارات قربانیان به نحوی بود که عمدتاً به مجبور شدن شان برای انجام فعالیت‌های جنسی تأکید داشت؛ این گونه استدلال شد که اتهام ازدواج اجباری عملاً همان بردگی جنسی بوده و بنابراین یک اتهام مستقل محسوب نمی‌شود، اما این استدلال توسط شعبه تجدیدنظر مورد پذیرش قرار نگرفت. مقامات قضایی شعبه تجدیدنظر با این استدلال که «هیچ محکمه‌ای نمی‌تواند ازدواج اجباری را از رهگذر بردگی جنسی به‌عنوان مصداقی از جنایت علیه بشریت شناسایی کند» (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ۱۰۲)، مرز مشخصی بین ازدواج اجباری و بردگی جنسی ترسیم نمود. به بیان ساده‌تر، شعبه تجدیدنظر به دنبال قرار دادن ازدواج اجباری به‌عنوان یکی از مصداق جنایت علیه بشریت تحت عنوان سایر اعمال غیرانسانی مشابه^{۴۲} مندرج در بند I ماده ۲ اساسنامه بود. مقصود این دادگاه از سایر اعمال غیرانسانی مشابه اعمالی است که دارای ماهیت خشونت‌آمیز جنسی نباشند و متعاقباً با این استدلال که هدف اصلی مرتکب ازدواج اجباری ایجاد یک پیوند زناشویی بوده و حال ممکن است که در این پیوند زناشویی جلوه‌هایی از رابطه جنسی توأم با خشونت نیز بروز کند این نتیجه حاصل شد که ازدواج اجباری مفهومی بسیار وسیع‌تر از بردگی جنسی است. در نهایت بریما و کانو به تحمل پنجاه سال و کامارا به تحمل چهل و پنج سال حبس محکوم شد (توحیدی و داداشی، ۱۳۹۸، ۲۸).

در پرونده فوق‌الذکر این مسئله حائز اهمیت است که مقامات قضایی شعبه تجدیدنظر، صلاحیت دادگاه را جهت رسیدگی به یک عنوان مجرمانه نانوشته در اساسنامه تعمیم دادند و ازدواج اجباری را منطبق بر بردگی جنسی تلقی نکردند.

۲-۴-۲- پرونده جرمن کاتانگا^{۴۳}

در سال ۲۰۰۳ میلادی، جرمن کاتانگا رهبری نیروهای میهن پرستان ایتوری^{۴۴} را که عمدتاً از لندوهای ساکن در منطقه ایتوری تشکیل شده بود بر عهده گرفت و با حمله به بیش از دویست روستای ایتوری که بسیاری از مراکز راهبردی دولت وقت کنگو در آن قرار داشت مرتکب جنایات بین‌المللی زیادی علیه غیرنظامیان آن منطقه شد. ارجاع اعمال مذکور توسط نامبرده به دیوان کیفری بین‌المللی باعث شد که شعبه پیش‌دادرسی دیوان در فوریه ۲۰۰۷ میلادی قرار جلب متهم را صادر کند. در مارس همان سال، کاتانگا در کشور گابن دستگیر و جهت محاکمه به دیوان منتقل شد.

ازدواج اجباری یکی از یازده اتهام انتسابی به کاتانگا بود، اما شعبه پیش‌دادرسی دیوان برابر با بند چهارصد و سی و یک گزارش خود^{۴۵} استدلال کرد که ازدواج، فعالیت جنسی و انجام امور ناشی از روابط زناشویی «همراه با خشونت و اجبار» همگی مصداق بردگی جنسی محسوب می‌شوند. استدلال شعبه پیش‌دادرسی دیوان تا حد بسیار زیادی دادرسان را از بابت محکوم نمودن کاتانگا به بردگی جنسی، ازدواج اجباری و فعالیت جنسی با چالش مواجه کرد. از آن جا که دادرسان و قربانیان نتوانستند اثبات نمایند که کاتانگا اعمال مذکور را «همراه با خشونت» انجام داده است، نامبرده از بسیاری از جرایم جنسی و مبتنی بر جنسیت تبرئه و در نهایت در تاریخ هفتم مارس ۲۰۱۴ میلادی به تحمل دوازده سال حبس و جبران خسارت محکوم شد (Amaral, 2023, 12).

در سال ۲۰۱۶ میلادی، کاتانگا با اظهار به این که قصد زندگی در کنار همسر و دو فرزندش را دارد و می‌خواهد که مابقی عمر خود را به کشاورزی و تلاش برای جبران جنایاتش اختصاص دهد از دیوان خواست تا او را آزاد کند. با توجه به رفتار مناسب وی در زندان، دیوان پس از هماهنگی با دولت کنگو تصمیم گرفت که کاتانگا را آزاد و مسئولیت نظارت بر رفتار و اعمالش را عهده بگیرد (الرئعی، ۱۴۰۰، ۷).

43- Germain Katanga

44- Forces Patriotiques Resistantes de Ituri (F. P. R. I)

45- ICC, Katanga Case, PTC I (14 October 2008)

به‌رغم این که ازدواج اجباری در فهرست جرایم چهارگانه تحت صلاحیت دیوان و یا مصادیق این جرایم یافت نمی‌شود، اما این نکته حائز اهمیت است که هیچ ایرادی از جانب مقامات رسیدگی کننده به پرونده فوق‌الذکر از بابت ورود این اتهام مطرح نشد؛ بنابراین، می‌توان این گونه استنباط کرد که رویه قضایی فوق می‌تواند در حکم نخستین رویه‌ای باشد که به موجب آن دیوان تلویحاً و به‌صورت ضمنی صلاحیت خود را از بابت رسیدگی به جرمی مستقل از بردگی جنسی و قید نشده در اساسنامه با عنوان ازدواج اجباری احراز نموده است.

۳-۴-۲- پرونده دومینیک اونگون^{۴۶}

در سال ۱۹۷۵ میلادی، دومینیک اونگون در یکی از روستاهای شمالی اوگاندا متولد شد. در آن زمان گروهی به رهبری جوزف کانگی^{۴۷} موسوم به ارتش مقاومت پروردگار مشغول به مبارزه با دولت مرکزی اوگاندا بود. ربودن کودکان و انتقال ایدئولوژی به آنان جهت ایفای نقش ربوده شدگان به‌عنوان سرباز یکی از مهم‌ترین شگردهای ارتش مقاومت پروردگار برای جذب نیرو بود. دومینیک اونگون نیز همانند هزاران کودک دیگر در سن چهارده سالگی ربوده و به اردوگاه این گروه منتقل شد. اونگون پس از متأثر شدن از آموزه‌های ایدئولوژیکی ارتش مقاومت پروردگار و فراگرفتن آموزش‌های نظامی در عملیات‌های جنگی زیادی حضور یافت. اعمال اونگون باعث شد که وی به سرعت مراتب ارتقاء درجه را طی کند و در سن بیست و چهار سالگی به «مورچه سفید» ملقب و به سمت فرماندهی یکی از تیپ‌های چهارگانه ارتش مقاومت پروردگار منصوب شود. اونگون پس از انتصاب در این سمت علاوه بر اوگاندا، فرماندهی عملیات در کشورهای نظیر کنگو و آفریقای جنوبی را بر عهده گرفت.

در سال ۲۰۰۳ میلادی، یک درگیری مسلحانه نسبتاً گسترده میان اعضاء ارتش مقاومت پروردگار

46- Dominic Ongwen

47- Yusuf Kanneh

و نیروهای مسلح اوگاندا در گرفت و در نتیجه اوگاندا وضعیت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع نمود. در تابستان سال ۲۰۰۵ میلادی شعبه دوم پیش دادرسی بنا بر درخواست لوئیز اوپرت^{۴۸} دادستان وقت دیوان، قرار جلب پنج نفر از اعضای این گروه با نام‌های جوزف کانی، وینسنت اوتی^{۴۹}، راسکا لوکویا^{۵۰}، اوکوت اوزیامبو^{۵۱} و دومینینک اونگون را صادر نمود (Kirabira, 2021, 1143).

جوزف کانی همچنان متواری است. وینسنت اوتی در جریان یکی از درگیری‌های مسلحانه ناپدید شد و اطلاعات دقیقی از سرنوشت او موجود نیست. لوکویا و اوزیامبو نیز پیش از دستگیری فوت شدند، اما دومینینک اونگون اولین نفر از اعضای این گروه بود که با اراده خود در دیوان حاضر شد و از اتهامات خود دفاع کرد. وی خود را به نیروهای امریکایی مستقر در آفریقای مرکزی تسلیم نمود و دیوان کیفری بین‌المللی بر اساس اسناد و مدارک موجود، رسیدگی به اتهامات اونگون را از تاریخ ششم دسامبر ۲۰۱۶ میلادی آغاز کرد و در نهایت او را به شصت و یک عنوان مجرمانه ذیل مصادیق جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی محکوم نمود.

وکلای اونگون با استناد به مواردی از جمله این که موکل شان خود توسط این گروه قربانی شده و بسیاری از اعمال ارتكابی را در سن کودکی انجام داده است از دیوان تقاضا کردند که برای اونگون تخفیف قائل شود، اما دیوان نه تنها این استدلال را نپذیرفت و بلکه فاتو بنسودا^{۵۲} دادستان وقت دیوان، با توسعه مفهوم جنایت علیه بشریت اونگون را به ازدواج اجباری نیز متهم کرد. عدم قید ازدواج اجباری در اساسنامه رم از جمله استدلال‌های وکلای اونگون در جهت تلاش برای عدم انتصاب اتهام جدید به موکل شان بود، اما در نهایت اونگون وفق بند هشتادوپنج خلاصه پرونده^{۵۳} به تحمل بیست و پنج سال حبس بابت ارتكاب جرایمی از جمله ازدواج اجباری محکوم شد.

48- Luis Moreno-Ocampo

49- Vincent Otti

50- Ras Kambui

51- Okut Oziambo

52- Fatou Bensouda

53- ICC, Ongwen Case, Summary of the Verdict (4 February 2021)

درباره این که عمل اونگون مصداقی از جنایت علیه بشریت بود دیوان استدلال کرد که جنایت علیه بشریت به معنای اقدامات مجرمانه گسترده یا سازمان یافته و توأم با علم ارتکاب علیه یک جمعیت غیرنظامی و در راستای تعقیب اهداف یک دولت، سازمان یا گروه است (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ۹۹). اونگون نیز عضوی از اعضاء ارشد ارتش مقاومت پروردگار بوده و بیش از شصت عنوان مجرمانه توسط او ارتکاب یافته است (رمضانی قوام آبادی و بهمنی، ۱۳۹۶، ۱۹). بر مبنای اسناد و مدارک موجود در نزد دیوان، استدلال شد که ربایش و ازدواج با زنان ربوده شده بخشی جدایی ناپذیر از ایدئولوژی رفتاری اعضاء ارتش مقاومت پروردگار در برخورد با زنان بوده است (Oosterveld, 2018, 1278).

درباره این که چگونه دیوان می تواند صلاحیت رسیدگی به ازدواج اجباری را داشته باشد نیز استدلال شد که اتهام اونگون به بند K ماده ۷ اساسنامه رم مستند شده است. استدلال دیوان از این قرار بود که شدت آثار ناشی از ازدواج اجباری با آثار سایر عناوین مجرمانه مندرج در ماده ۷ قابل قیاس است و بند K ماده ۷ یعنی سایر اعمال غیرانسانی مشابه در واقع «طبقه ته مانده» جنایت علیه بشریت محسوب می شود و با توجه به این که یکی از اهداف حقوق بین الملل کیفری مبارزه با بی کیفرمانی است (قمری و قمری، ۱۴۰۲، ۲۶۱)، طبقه ته مانده جنایت علیه بشریت به عنوان یک جرم کلی و غیرمحصور این اختیار را به دیوان خواهد داد که علاوه بر جرایم مصرح در اساسنامه به برخی از جرایم نانوشته نیز رسیدگی کرده تا بدین ترتیب به هدف اصلی خود نائل شود (Kerr, 2020, 7). به بیان ساده تر استدلال دیوان آن بود که بند k ماده ۷ اساسنامه جایگاه جرایمی است که شدت آثار آن با سایر مصادیق مصرح در ماده ۷ قابل قیاس بوده و دیوان در راستای مقابله با بی کیفرمانی حق رسیدگی به آن را دارد.

۴-۴-۲- پرونده الحسن آغ عبدالعزیز^{۵۴}

انصارالدین پس از تسلط بر شهرهایی نظیر گائو^{۵۵}، کیدال^{۵۶} و تیمبکتو به استفاده ابزاری از دین روی

54- Al Hassan Ag Abdoul Aziz

55- Gao

آورد و حقوق مردم این منطقه را نقض نمود. در این میان اعمالی که الحسن آغ عبدالعزیز به‌عنوان رئیس پلیس گروه انصارالدین در شهر تیمبوکتو انجام داد قابل تأمل است. ممنوعیت آموزش مختلط، ممنوعیت از استفاده از پوشش سنتی و زیورآلات، تحمیل پوششی خاص، آرام صحبت کردن و ممنوعیت تولید صدا ناشی از راه رفتن، ممنوعیت معاشرت در خیابان با اشخاصی غیر از پدر و برادر، ممنوعیت حضور در تجمعات و مراسم‌ها، الزام به استفاده از دستکش در بازار و تجاوز جنسی نسبت به زنانی که از پذیرش ازدواج اجباری روی گردان بودند از جمله دستوراتی است که امضاء الحسن در ذیل آن به چشم می‌خورد. احکام صادره توسط الحسن و اجرای آن توسط اعضاء گروه انصارالدین باعث شد که در اواخر سال ۲۰۱۲ میلادی، دولت مالی وفق ماده ۱۴ اساسنامه رم وضعیت را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع دهد (مالدار و همکاران، ۱۴۰۲، ۱۴۸).

درست در همان ایام برخی از اعمال گروه انصارالدین نظیر تخریب آرامگاه‌ها، آثار تاریخی و فرهنگی، استخدام کودک‌سرباز^{۵۷} و آزار و اذیت در ملاء عام باعث شد که فرانسه با همکاری نیروهای منطقه‌ای تحت نظارت سازمان ملل متحد به شمال مالی وارد شود. این عملیات که به عملیات سروال^{۵۸} مشهور است باعث شد که انصارالدین کنترل خود بر شهرهایی که اشغال نموده بود را از دست بدهد (Boeke&Schuurman, 2014, 118).

دادستان وقت دیوان پس از ارزیابی اولیه موضوع به این نتیجه رسید که مبنای مستدلی برای تحقیق وجود دارد. تحقیقات دیوان از سال ۲۰۱۳ میلادی آغاز و تا سال ۲۰۱۸ میلادی ادامه یافت و در نهایت دادستان پی برد که گستردگی نگرش تبعیض‌آمیز و زن‌ستیزی ناشی از احکام صادره توسط الحسن و اجرای آن توسط گروه انصارالدین در شهر تیمبوکتو خارج از چهارچوب و استانداردهای حقوق بین‌الملل است. متعاقباً شعبه پیش دادرسی قرار جلب الحسن را صادر و نامبرده توسط مقامات

56- Kidal

57- Child Soldier

58- Serval Operation

مالی دستگیر و به دیوان منتقل شد. جلسه تفهیم اتهام الحسن در سال ۲۰۱۹ میلادی برگزار گردید و به موجب آن اتهام جنایت علیه بشریت و جنایت جنگی توسط او اثبات شد. الحسن نسبت به این موارد اعتراض کرد اما شعبه پیش دادرسی اعتراض او را نپذیرفت و در نهایت وی در ژوئن ۲۰۲۴ میلادی بنا به دلایلی از جمله نادیده گرفتن حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری که نقض آن در این مقیاس کم سابقه بوده است به تحمل ده سال حبس محکوم شد.

اهمیت پرونده الحسن بیشتر در این موضوع خلاصه می‌شود که ازدواج اجباری در چه شرایطی می‌تواند مصداق جنایت علیه بشریت محسوب شود. در این پرونده استدلال دیوان کیفری بین‌المللی درباره سایر اعمال غیرانسانی مشابه یادآور استدلال دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق در هنگام رسیدگی به پرونده سیلیبیچی^{۵۹} است که در آن سایر اعمال غیرانسانی مشابه به هرگونه فعل یا ترک فعل همراه با شکنجه منتهی به صدمات روحی و جسمی و زیرپا گذاشتن اصول و حقوق اساسی ذاتی انسانی و خصوصاً نادیده گرفتن شرف، عزت و کرامت آدمی دانسته شد. شارحان اساسنامه دیوان معتقدند رفتاری می‌تواند به‌عنوان مصداقی از سایر اعمال غیرانسانی مشابه در نظر گرفته شود که یک تفاوت ماهوی اساسی با سایر عناوین مجرمانه مندرج در ماده ۷ داشته و همچنین گستردگی آثار و پیامدهای ارتکاب آن با جرایم مذکور قابل قیاس باشد (ذاکر حسین، ۱۴۰۱، ۱۱۰). به‌عنوان مثال در ماده ۷ عنوان مجرمانه روسپی‌گری اجباری^{۶۰} و بردگی جنسی به چشم می‌خورد. تفاوت این دو عنوان مجرمانه در آن است که در روسپی‌گری اجباری انتفاع مالی وجود دارد و قربانی بیشتر بر مبنای رضایت خود و نه بر مبنای تحمیل اراده از جانب شخصی دیگر به این عمل روی می‌آورد (انصاریان و همکاران، ۱۳۹۹، ۵۸).

تفاوت تکالیف و حقوق قربانیان در ازدواج اجباری و بردگی جنسی نیز مؤید تفاوت ماهوی این

59- Cilibich

60- Forced Prostitution

دو عنوان است. با دقت در برخی از آرای دیوان کیفری بین‌المللی نظیر بندهای هشتادوهفت تا هشتادونه پرونده دومینیک اونگون متوجه می‌شویم که مواردی نظیر بدنامی، آثار اجتماعی منفی، آسیب‌های ذهنی و روانی از جمله آثار ناشی از ازدواج اجباری هستند. همچنین، نباید از نظر دور داشت که قربانیان ازدواج اجباری در تعیین تعداد فرزندان هیچ اراده‌ای نداشته و نگهداری از فرزندان موجب خواهد شد که قربانیان به صورت ناخواسته از توسعه مهارت‌های فردی خود نظیر ادامه تحصیل باز بمانند. فشارهای روانی ناشی از این ازدواج می‌تواند ختم به خودزنی، خودکشی و یا کشتن همسر شود. حتی در صورتی که قربانی موفق به فرار از منزل شود بدو آسرنه خود را از دست خواهد داد و ممکن است از جانب جامعه نیز طرد شود. اعضاء خانواده قربانی از تحت رنج بودن فرزند خود متأثر می‌شوند و ورود نیروهای انتظامی، مقامات قضایی و نظام سلامت‌بخشی جهت حمایت از قربانی مخارجی را برای دولت به بار خواهد آورد (Reva, 2019, 75).

نگرش برخی از مردم به قربانی ازدواج اجباری به مثابه شخصی که با یک مجرم بین‌المللی و یا اشغالگر سرزمینش هم‌خانه و هم‌بستر شده است، جامعه‌پذیری قربانی را با چالش بیشتری در قیاس با قربانی بردگی جنسی مواجه خواهد ساخت. با توجه به موارد مذکور نیک واضح است که ازدواج اجباری به مراتب آثار گسترده‌تر و مخرب‌تری از بردگی جنسی به دنبال دارد. به عبارتی ازدواج اجباری یک جرم چندلایه بوده و احتمال می‌رود که قربانی در پس این عنوان مجرمانه با بردگی جنسی، روسپی‌گری اجباری و دیگر عناوین مجرمانه مواجه شود؛ بنابراین، می‌توان قائل بر آن بود که ازدواج اجباری از حیث گستردگی آثار و پیامدها نیز با بردگی جنسی قابل قیاس بوده و متعاقباً می‌تواند مصداقی از سایر اعمال غیرانسانی مشابه مندرج در بند K ماده ۷ اساسنامه رم محسوب شود.

حال نوبت طرح این پرسش است که آیا هر شخصی که در ازدواج خود متحمل گونه‌ای از اجبار شده باشد می‌تواند مدعی شود که قربانی ازدواج اجباری شده است؟ مسلماً و در بدو امر باید میزان تأثیرگذاری اجبار موصوف بر اراده و رضایت شخص مورد ارزیابی قرار گیرد. بدیهی است که چنان

چه جلب اراده و رضایت یک شخص تا حد زیادی منبعث از اجبار طرف مقابل باشد، ازدواج مذکور اجباری قلمداد می‌شود، اما این بدین معنا نیست که هر ازدواج اجباری مصداقی از جنایت علیه بشریت به حساب آید. با تحلیل رأی پرونده شورای انقلابی نیروهای مسلح، پرونده جرمن کاتانگا، پرونده دومینیک اونگون و پرونده الحسن آغ عبدالعزیز می‌توان استنباط کرد که چنانچه ازدواج اجباری در مقیاس گسترده یا سازمان‌یافته و توأم با علم و در راستای تعقیب اهداف یک حزب، گروه، سازمان، دولت و... علیه غیرنظامیان ارتکاب یابد مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب خواهد شد. بنابراین، اگرچه مواردی که در آن یک شخص با سوءاستفاده از جایگاه اجتماعی و یا توان مالی خود شخص دیگری را با تعقیب اهداف درونی وادار به پذیرش ازدواج نماید مصداقی از ازدواج اجباری تلقی می‌گردد، اما این نوع از ازدواج اجباری مصداقی از جنایت علیه بشریت نبوده و در نتیجه دیوان کیفری بین‌المللی صلاحیت رسیدگی به آن را نخواهد داشت؛ بنابراین، می‌توان گفت که رابطه میان ازدواج اجباری و جنایت علیه بشریت از نوع «عموم و خصوص من وجه» است.

نتیجه

تحلیل دقیق ابعاد حقوقی ازدواج اجباری در نظام حقوق داخلی و نظام حقوق بین‌الملل مستلزم فهم دقیق این مؤلفه به‌عنوان نقطه مقابل حق بر ازدواج و مصداقی از نقض حقوق بشر است. در این نوع از ازدواج، معمولاً یک طرف با سوءاستفاده از قدرت خود اراده و رضایت طرف مقابل را متأثر ساخته و او را وادار به پذیرش پیشنهاد ازدواج می‌نماید. هرچند ازدواج اجباری دارای سویه‌های جنسی است اما تکالیف و حقوق قربانیان ذیل این عنوان با سایر جرایم جنسی متفاوت بوده و آثار ناشی از آن نیز به مراتب گسترده‌تر و مخرب‌تر از مواردی نظیر بردگی جنسی ارزیابی می‌شود. ضروری است تا باری دیگر تأکید شود که ارتکاب ازدواج اجباری در تمام موارد مصداقی از جنایت علیه بشریت نیست.

برای این که ازدواج اجباری به‌عنوان مصداقی از سایر رفتارهای غیرانسانی مشابه مندرج در بند K ماده ۷ اساسنامه رم و متعاقباً مصداقی از جنایت علیه بشریت محسوب گردد تا دیوان صلاحیت

رسیدگی به آن را داشته باشد لازم است که شرایط ذیل به صورت توأمان احراز شود: اول- مرتکب برای شکستن اراده قربانی از فشار یا سوءاستفاده از قدرت بهره ببرد. دوم- قربانی در شرایطی قرار بگیرد که اراده‌ای در تغییر آن نداشته باشد. سوم- رفتار مرتکب در راستای در راستای تعقیب اهداف یک حزب، گروه، سازمان، دولت و... در قالب بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه غیرنظامیان اتفاق افتاده باشد. چهارم- مرتکب نسبت به ماهیت عمل خود علیه غیرنظامیان آگاه باشد.

مقابله مؤثر با ازدواج اجباری مستلزم اتخاذ تمهیدات پیشگیرانه و تقویت نظارت‌ها است. قانون‌گذاری و مجازات مرتکبان یک نوع پیشگیری واکنشی بوده که در آن توجه اصلی بر «جلوگیری از تکرار جرم» معطوف و متمرکز است. از طرفی آسیب‌های معنوی و عاطفی ناشی از قربانی شدن توسط ازدواج اجباری قابل ارزیابی و جبران نیست؛ بنابراین، ضروری است که دولت‌ها تدابیر پیشگیرانه‌ای که اثر آن معطوف به «جلوگیری اولیه از ارتکاب جرم» باشد اتخاذ نمایند. ارائه آموزش‌های کاربردی حقوقی و توانمندسازی دختران و زنان در حوزه تصمیم‌گیری قابل ذکر است. با افزایش سن قانونی ازدواج، آگاهی افراد از حقوق شان بالاتر رفته و قدرت استدلال شان تقویت خواهد شد و متعاقباً به نحو مؤثرتری قادر خواهند بود که از حقوق خود دفاع نمایند. همچنین، انتظار می‌رود که با بالاتر رفتن سن قانونی ازدواج، وابستگی مالی اشخاص نیز کمتر شده و مسائل اقتصادی در جلب اراده و رضایت ایشان تأثیر چندانی نداشته باشد. ایجاد نهادهای مشاوره جهت آگاه کردن طرفین از حقوق و تکالیف پس از ازدواج و مصاحبه جداگانه با طرفین جهت احراز وجود احتمالی اجبار در اراده نیز تأثیر به‌سزایی در کاهش آمار ارتکاب این جرم بر جای می‌گذارد.

درباره کشف جرم نیز دولت‌ها باید در نظر داشته باشند که در بسیاری از موارد شرم زنان قربانی ازدواج اجباری از گزارش‌دهی به نیروی پلیس که عمدتاً از مردان تشکیل شده است خود عاملی برای مرعی ماندن این عمل است؛ بنابراین، مقتضی است شرایطی فراهم شود که زنان قربانی بتوانند در بستری امن و به دور از شرم یا ترس از فاش شدن گزارش وضعیت خود مراتب قربانی شدن به واسطه

این عمل را اطلاع‌رسانی کنند. همچنین، درباره مجازات مرتکبان این عمل باید در نظر داشت که مجازات مجرم در بهترین حالت موجب تأدیب و آماده‌سازی وی برای بازگشت به جامعه خواهد شد که این مسئله لزوماً ترس و خلأ قربانی ازدواج اجباری را دوا نخواهد کرد؛ بنابراین، همان‌طور که در اعمال مجازات به شخصیت مجرم توجه می‌شود لازم است که حسب شخصیت قربانی حمایت‌های ویژه‌ای از او به عمل آید.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- الریعی، احمد، ۱۴۰۰، تخریب اموال در اثنای جنگ: از جنایت جنگی تا ضرورت نظامی با نگاهی بر پرونده جرمان کتانگا، **پنجمین کنفرانس بین‌المللی و ملی مطالعات مدیریت، حسابداری و حقوق**، تهران، ایران.
- امیری، فاطمه، ۱۳۸۹، توسعه حقوق بین‌المللی کیفری بر پایه جرم‌انگاری ازدواج اجباری به‌عنوان جنایت علیه بشریت توسط دادگاه ویژه سیرالئون، **فصلنامه حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۳.
- انصاریان، مجتبی؛ غلامی نیارمی، آتنا؛ طیبی، سبحان، ۱۳۹۹، واکاوی جامعه‌شناختی مصادیق خشونت علیه زنان در حقوق بین‌الملل با تأکید بر بارداری اجباری، **فصلنامه پژوهشنامه زنان**، شماره ۳۳.
- بختیاری‌رنانی، زهرا، ۱۴۰۲، **ازدواج تحمیلی**، چاپ اول، قم، انتشارات هاجر.
- توحیدی، احمدرضا و داداشی، آزاده، ۱۳۹۸، رویکرد محاکم بین‌المللی کیفری در برخورد با ازدواج اجباری به‌عنوان خشونت جنسی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۳۹.
- حسینی، سیده لطیفه و حسینی، نرگس سادات، ۱۳۹۵، تحلیل حقوقی حق بر ازدواج در پرتو نظام بین‌المللی

حقوق بشر، فصلنامه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، شماره ۳.

- ذاکر حسین، محمدهادی، ۱۴۰۱، دیوان کیفری بین‌المللی و انتخاب وصف منصفانه برای ازدواج اجباری،

دوفصلنامه حقوق بشر، شماره ۳۳.

- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و بهمنی، منصور، ۱۳۹۶، تحقق عدالت کیفری بین‌المللی در آفریقا؛ موانع و

راهکارها، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره ۴۷.

- رنجبریان، امیرحسین و ملک‌الکتاب خیابانی، مهدیه، ۱۳۸۹، دادگاه ویژه سیرالئون: فرایند تشکیل، صلاحیت و

مقابله با بی‌کیفرمانی، فصلنامه حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۳.

- قمری، اسماعیل و قمری، هدی، ۱۴۰۲، مشروعیت اعمال اصل صلاحیت جهانی به‌عنوان یکی اصول

صلاحیت کیفری فراسرزمینی، فصلنامه حقوق و مطالعات سیاسی، شماره ۴.

- مالدار، محمدحسن؛ پوربافرانی، حسن؛ حسن زاده خباز، سیده‌نگین، ۱۴۰۳، تبعیض جنسیتی: از سلفی‌گری تا

جرمی علیه بشریت با تأکید بر پرونده الحسن در دیوان کیفری بین‌المللی، **دوفصلنامه حقوق بشر،**

شماره ۳۷.

- مقدسی، محمدباقر و عامری، زهرا، ۱۳۹۵، ازدواج اجباری؛ از ممنوعیت‌انگاری تا جرم‌انگاری، **فصلنامه**

آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۱۲.

- میرمحمدصادقی، حسین و لکی، زینب، ۱۳۹۸، رویکردی نوین بر ارجاع کیفری در پرتو اصل وصف‌گذاری

منصفانه، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، شماره ۲۷.

- وجدانی فخر، عطیه و طهماسبی، جواد، ۱۴۰۱، بررسی وضعیت جنایات ارتكابی توسط داعش و صلاحیت

دیوان کیفری بین‌المللی، فصلنامه حقوق و مطالعات سیاسی، شماره ۲.**لاتین**

- Allain, J. , Bales, K. , 2012, Slavery and its definition, Global dialogue, 14 (2).
- Amaral, A. S. S. , 2023, Ntaganda Case: Lessons learnt from Katanga, Lubanga, and Bemba cases". Revista Eletrônica de Direito Penal e Política Criminal, 11 (1/2).
- Boeke, S. , Schuurman, B. , 2015, Operation Serval: A strategic analysis of the French intervention in Mali, Journal of strategic studies, 38 (6).
- Campmajo, M. B. , 2020, Forced marriages in Europe: a form of gender-based violence and violation of human rights, The Age of Human Rights Journal, (14).
- Dauvergne, C. , Millbank, J. , 2010, Forced marriage as a harm in domestic and international law". The Modern Law Review, 73 (1).
- Farah, M. , 2019, Prosecuting Human Trafficking for the Purpose of Sexual Exploitation under Article 7 of the Rome Statute: Enslavement or Sexual

-
- Slavery?, *Journal of Trafficking and Human Exploitation*, 3 (1).
- Kerr, V. M. , 2020, Should Forced Marriages Be Categorized as Sexual Slavery 'or' Other Inhumane Acts' in *International Criminal Law?*, *Utrecht J. Int'l & Eur. L.*, 35 (1).
 - Kirabira, T. , 2021, Ongwen at the International Criminal Court, *International Criminal Law Review*, 22 (5-6).
 - Lerner, G. , 1983, Women and slavery, *Slavery and Abolition*, 4 (3).
 - Molnar, S. , 2021, The Fundamental Right of Marriage in the Constitutions of European Countries". *Central European Journal of Comparative Law*, 2 (2).
 - Oosterveld, V. , 2018, Forced Marriage: Terminological Coherence and Dissonance in *International Criminal Law*, *Wm. & Mary Bill Rts. J.* , 27 (4).
 - Petricusic, A. , 2005, The rights of minorities in international law, *Croatian International Relations Review*, 11 (38/39).
 - Reva, Z. , Polat, O. , 2019, Forced marriages as human rights violation, *International Journal of Social Sciences and Education Research*, 5 (1).

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.27- Spring 2026

- Burden of Proof and Admissibility and of Evidence in International Commercial Arbitration
Homayoun Mafi, Maedeh Asgharzadeh
- Analysis the Practice of Determining the Jurisdiction of the International Criminal Court to Adjudicate Forced Marriage
Mohammad Hossein Ramezani Ghavamabadi, Pouria Ebrahimzadeh
- Legal Rethinking of the Use of Artificial Intelligence for the Enforcement of Punishment
Amirreza Mahmoudi, Anusha Zafari Kore Tash
- Federative Rights in Football: Approaches of the Legal Systems of Iran, France, England, Argentina, Brazil, Spain and Colombia
Behnam Noorzadeh
- Conflict of the Regulation of the Third Article of the Mandatory Formal Registration of Immovable Properties with Laws and Legal Principles
Akbar Iman Poor, Sahand Nejadi Ijadkar
- Criminal Personality and Its Relationship with Effective Punishment
Maryam Bahmai, Mostafa Karamipour
- Challenges and Obstacles to Interpreting Contracts in Iranian Law
Farzin Yazdan Panah, Mohammadreza Nasiri
- Measures to Prevent Financial Corruption in the Banking System
Alireza Deraei, Sayyed Ebrahim Mortazavi, Amirhasan Abolhasani
- Divorce at the Request of the Woman in the Iranian Legal System
Mohammad Ahmadi, Helma Sadat Zorrieh Kermanshahi
- Assessing the Criminal Nature of Online Lotteries in Iranian Law
Mohammadhossein Hajeb, Zahra Rabbani, Roya Asiaei
- Mutual Sale Contract in the Iranian Legal System
Sadegh Mohebbi, Mohammadali Jahani
- Features and Characteristics of Cybercrimes in the Iranian Criminal System
Seyedeh Elaheh Babonaki
- Studying the Right to Employment of Women in International Law
Habibolah Abdollah Poor, Sama Khodayari
- The Effectiveness of Security and Educational Measures in the Resocialization of Juvenile Delinquents; A Case Study of Shahid Fakhmideh Judicial Complex
Leila Ahadi
- Retaliation in the Quran and its Place in Islamic Penal Policy
Rojin Masoudi, Jamal Rezaei Hossein Abadi
- a Legal Analysis of the Regulatory Structure of the Unorganized Monetary Market in Iran: from Conceptual Ambiguities to Legislative and Executive Challenges
Ali Babaei
- The Impact of Independent International Institutions on the Effectiveness of Sanctions in International Trade Law
Elahe Ghorban Karimi
- Based on the Best Interests of the Child; an Analysis of Custody with a Legal, Jurisprudential and Psychological Approach to Identifying Legislative Gaps
Mona Komeyli
- Human Rights-Based Rehabilitation and Its Limitations in the Iranian Penal System
Amin Reza Bahar Falamarzi
- an Analysis of Strict Civil Liability in Chemical Industry Accidents; a Case Study of Iranian Methanol Production Units
Mohammad Jokar, Sasan Vazin Pour
- Pathology of Lethal Punishment in Iranian Criminal Law
Mohammadreza Rezaei
- Implementing Regulations on Land Nationalization, Especially Endowment Lands, with Emphasis on Judicial Practice
Esmail Chogani
- International Criminal Policy Against Genocide: A Comparative Analysis in International Criminal Tribunals
Ali Hadian Haghighi, Saber Sayyari Zohan
- Criminological Analysis of Kolbari in the Border Areas of Iran and its Comparison with the Kalba
Morteza Hashem Pour
- Legal Challenges and Harms of Unauthorized Accredited Institutions in the Iranian Monetary System
Amin Aminl Nezhad
- The Impact of Prefrontal Cortex Dysfunction on Criminal Responsibility in the Crime of Intentional Murder
Hamid Ghiasi, Mehdi Shaban Zadeh
- Artificial Intelligence and the Right to a Fair Trial in Light of the Iranian Constitution
Pouria Zhoulideh
- Impact of Government Expenditure and Debt on Stock Market Growth in Iran
Razieh Hojjati Nezhad
- the Position of the Central Counterparty Institution and Its Impact on the Principle of Privity of Contracts in Cross Border Transactions in the Legal Systems of Iran, Europe and the United States of America
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- Strategies to Combat and Deal with Cybercrime
Ahmad Padidar